

## پرهیز از ریاکاری

<sup>1</sup>و در آن میان، وقتی که هزاران از خلق جمع شدند، به نوعی که یکدیگر را پایمال می‌کردند، به شاگردان خود به سخن گفتن شروع کرد: <sup>2</sup>اول آنکه از خمیرمایه فریسیان که ریاکاری است احتیاط کنید. زیرا چیزی نهفته نیست که آشکار نشود و نه مستوری که معلوم نگردد. <sup>3</sup>بنابراین آنچه در تاریکی گفته‌اید، در روشنایی شنیده خواهد شد و آنچه در خلوتخانه در گوش گفته‌اید، بر پشتیامها ندا شود. <sup>4</sup>لیکن، ای دوستان من، به شما می‌گویم: از قاتلان جسم که قدرت ندارند بیشتر از این بکنند، ترسان ماباشید. <sup>5</sup>بلکه به شما نشان می‌دهم که از کیه باید ترسید: از او بترسید که بعد از کشتن، قدرت دارد که به جهنم بیفکند. بلی به شما می‌گویم: از او بترسید. <sup>6</sup>آیا پنج گنجشک به دو فلس فروخته نمی‌شود؟ و حال آنکه یکی از آنها نزد خدا فراموش نمی‌شود. <sup>7</sup>بلکه مویهای سر شما همه شمرده شده است. پس بیم مکنید، زیرا که از چندان گنجشک بهتر هستید. <sup>8</sup>لیکن به شما می‌گویم: هر که نزد مردم به من اقرار کند، پسر انسان نیز پیش فرشتگان خدا او را اقرار خواهد کرد. <sup>9</sup>اما هر که مرا پیش مردم انکار کند، نزد فرشتگان خدا انکار کرده خواهد شد. <sup>10</sup>و هر که سخنی برخلاف پسر انسان گوید، آمرزیده شود. اما هر که به روح‌القدس کفر گوید آمرزیده نخواهد شد. <sup>11</sup>و چون شما را در کنایس و به نزد حکام و دیوانیان برند، اندیشه مکنید که چگونه و به چه نوع حجت آورید یا چه بگویید. <sup>12</sup>زیرا که در همان ساعت روح‌القدس شما را خواهد آموخت که چه باید گفت.

## مثال توانگر نادان

<sup>13</sup>و شخصی از آن جماعت به وی گفت: ای استاد، برادر مرا بفرما تا ارث پدر را با من تقسیم کند. <sup>14</sup>به وی گفت: ای مرد، کیه مرا بر شما داور یا مُقَسِّم قرار داده است؟ <sup>15</sup>پس بدیشان گفت: زنه‌ار از طمع بیرهیزید زیرا اگرچه اموال کسی زیاد شود، حیات او از اموالش نیست. <sup>16</sup>و مثلی برای ایشان آورده، گفت: شخصی دولتمند را از املاکش محصول وافر پیدا شد. <sup>17</sup>پس با خود اندیشیده، گفت: چه کنم؟ زیرا جایی که محصول خود را انبار کنم، ندارم. <sup>18</sup>پس گفت: چنین می‌کنم: انبارهای خود را خراب کرده، بزرگتر بنا

<sup>1</sup>In the mean time, when there were gathered together an innumerable multitude of people, insomuch that they trode one upon another, he began to say unto his disciples first of all, Beware ye of the leaven of the Pharisees, which is hypocrisy. <sup>2</sup>For there is nothing covered, that shall not be revealed; neither hid, that shall not be known. <sup>3</sup>Therefore whatsoever ye have spoken in darkness shall be heard in the light; and that which ye have spoken in the ear in closets shall be proclaimed upon the housetops. <sup>4</sup>And I say unto you my friends, Be not afraid of them that kill the body, and after that have no more that they can do. <sup>5</sup>But I will forewarn you whom ye shall fear: Fear him, which after he hath killed hath power to cast into hell; yea, I say unto you, Fear him. <sup>6</sup>Are not five sparrows sold for two farthings, and not one of them is forgotten before God? But even the very hairs of your head are all numbered. Fear not therefore: ye are of more value than many sparrows. <sup>8</sup>Also I say unto you, Whosoever shall confess me before men, him shall the Son of man also confess before the angels of God: <sup>9</sup>But he that denieth me before men shall be denied before the angels of God. <sup>10</sup>And whosoever shall speak a word against the Son of man, it shall be forgiven him: but unto him that blasphemeth against the Holy Ghost it shall not be forgiven. <sup>11</sup>And when they bring you unto the synagogues, and unto magistrates, and powers, take ye no thought how or what thing ye shall answer, or what ye shall say: <sup>12</sup>For the Holy Ghost shall teach you in the same hour what ye ought to say. <sup>13</sup>And one of the

company said unto him, Master, speak to my brother, that he divide the inheritance with me.<sup>14</sup> And he said unto him, Man, who made me a judge or a divider over you?<sup>15</sup> And he said unto them, Take heed, and beware of covetousness: for a man's life consisteth not in the abundance of the things which he possesseth.<sup>16</sup> And he spake a parable unto them, saying, The ground of a certain rich man brought forth plentifully:<sup>17</sup> And he thought within himself, saying, What shall I do, because I have no room where to bestow my fruits?<sup>18</sup> And he said, This will I do: I will pull down my barns, and build greater; and there will I bestow all my fruits and my goods.<sup>19</sup> And I will say to my soul, Soul, thou hast much goods laid up for many years; take thine ease, eat, drink, and be merry.<sup>20</sup> But God said unto him, Thou fool, this night thy soul shall be required of thee: then whose shall those things be, which thou hast provided?<sup>21</sup> So is he that layeth up treasure for himself, and is not rich toward God.<sup>22</sup> And he said unto his disciples, Therefore I say unto you, Take no thought for your life, what ye shall eat; neither for the body, what ye shall put on.<sup>23</sup> The life is more than meat, and the body is more than raiment.<sup>24</sup> Consider the ravens: for they neither sow nor reap; which neither have storehouse nor barn; and God feedeth them: how much more are ye better than the fowls?<sup>25</sup> And which of you with taking thought can add to his stature one cubit?<sup>26</sup> If ye then be not able to do that thing which is least, why take ye thought for the rest?<sup>27</sup> Consider the lilies how they grow: they toil not, they spin not;

می‌کنم و در آن تمامی حاصل و اموال خود را جمع خواهم کرد.<sup>19</sup> و نفس خود را خواهم گفت که: ای جان اموال فراوان اندوخته شده بجهت چندین سال داری. الحال بیارام و به اکل و شرب و شادی پرداز.<sup>20</sup> خدا وی را گفت: ای احمق، در همین شب جان تو را از تو خواهند گرفت؛ آنگاه آنچه اندوخته‌ای، از آن کیه خواهد بود؟<sup>21</sup> همچنین است هر کسی که برای خود ذخیره کند و برای خدا دولتمند نباشد.

### توکل بر خدا

<sup>22</sup> پس به شاگردان خود گفت: از این جهت به شما می‌گویم، که اندیشه مکنید بجهت جان خود که چه بخورید و نه برای بدن که چه بپوشید.<sup>23</sup> جان از خوراک و بدن از پوشاک بهتر است.<sup>24</sup> کلاغان را ملاحظه کنید: که نه زراعت می‌کنند و نه حصاد و نه گنجی و نه انباری دارند و خدا آنها را می‌پروراند. آیا شما به چند مرتبه از مرغان بهتر نیستید؟<sup>25</sup> و کیست از شما که به فکر بتواند ذراعی بر قامت خود افزایش دهد؟<sup>26</sup> پس هرگاه توانایی کوچکترین کاری را ندارید، چرا برای مابقی می‌اندیشید؟<sup>27</sup> سوسنهای چمن را بنگرید چگونه نمو می‌کنند و حال آنکه نه زحمت می‌کشند و نه می‌ریسند، اما به شما می‌گویم که سلیمان با همه جلالش مثل یکی از اینها پوشیده نبود.<sup>28</sup> پس هرگاه خدا علفی را که امروز در صحرا است و فردا در تنور افکنده می‌شود چنین می‌پوشاند، چقدر بیشتر شما را ای سست ایمانان.<sup>29</sup> پس شما طالب مباحثید که چه بخورید یا چه بیاشامید و مضطرب مشوید.<sup>30</sup> زیرا که اُمّت‌های جهان، همه این چیزها را می‌طلبند، لیکن پدر شما می‌داند که به این چیزها احتیاج دارید.<sup>31</sup> بلکه ملکوت خدا را طلب کنید که جمیع این چیزها برای شما افزوده خواهد شد.

<sup>32</sup> ترسان مباشید، ای گله کوچک، زیرا که مَرَضی پدر شما است که ملکوت را به شما عطا فرماید.<sup>33</sup> آنچه دارید بفروشید و صدقه دهید و کیسه‌ها بسازید که کهنه نشود و گنجی را که تلف نشود، در آسمان جایی که دزد نزدیک نیاید و بید تباه نسازد.<sup>34</sup> زیرا جایی که خزانه شما است، دل شما نیز در آنجا می‌باشد.

### خادمان کم‌ریسته

<sup>35</sup> کم‌رهای خود را بسته، چراغهای خود را افروخته

and yet I say unto you, that Solomon in all his glory was not arrayed like one of these.<sup>28</sup> If then God so clothe the grass, which is to day in the field, and to morrow is cast into the oven; how much more will he clothe you, O ye of little faith?<sup>29</sup> And seek not ye what ye shall eat, or what ye shall drink, neither be ye of doubtful mind.<sup>30</sup> For all these things do the nations of the world seek after: and your Father knoweth that ye have need of these things.<sup>31</sup> But rather seek ye the kingdom of God; and all these things shall be added unto you.<sup>32</sup> Fear not, little flock; for it is your Father's good pleasure to give you the kingdom.<sup>33</sup> Sell that ye have, and give alms; provide yourselves bags which wax not old, a treasure in the heavens that faileth not, where no thief approacheth, neither moth corrupteth.<sup>34</sup> For where your treasure is, there will your heart be also.<sup>35</sup> Let your loins be girded about, and your lights burning;<sup>36</sup> And ye yourselves like unto men that wait for their lord, when he will return from the wedding; that when he cometh and knocketh, they may open unto him immediately.<sup>37</sup> Blessed are those servants, whom the lord when he cometh shall find watching: verily I say unto you, that he shall gird himself, and make them to sit down to meat, and will come forth and serve them.<sup>38</sup> And if he shall come in the second watch, or come in the third watch, and find them so, blessed are those servants.<sup>39</sup> And this know, that if the goodman of the house had known what hour the thief would come, he would have watched, and not have suffered his house to be broken through.<sup>40</sup> Be ye therefore

بدارید.<sup>36</sup> و شما مانند کسانی باشید که انتظار آقای خود را می‌کشند که چه وقت از عروسی مراجعت کند تا هروقت آید و در را بکوبد، بی‌درنگ برای او بازکنند.<sup>37</sup> خوشبحال آن غلامان که آقای ایشان چون آید، ایشان را بیدار یابد. هر آینه به شما می‌گویم که کمر خود را بسته، ایشان را خواهد نشانید و پیش آمده، ایشان را خدمت خواهد کرد.<sup>38</sup> و اگر در پاس دوم یا سوم از شب بیاید و ایشان را چنین یابد، خوشا بحال آن غلامان.<sup>39</sup> اما این را بدانید که اگر صاحبخانه می‌دانست که دزد در چه ساعت می‌آید، بیدار می‌ماند و نمی‌گذاشت که به خانه‌اش نقب زنند.<sup>40</sup> پس شما نیز مستعد باشید، زیرا در ساعتی که گمان نمی‌برید پسر انسان می‌آید.

<sup>41</sup> پطرس به وی گفت: ای خداوند، آیا این مثل را برای ما زدی یا بجهت همه؟<sup>42</sup> خداوند گفت: پس کیست آن ناظر امین و دانا که مولای او وی را بر سایر خدام خود گماشته باشد تا آذوقه را در وقتش به ایشان تقسیم کند؟<sup>43</sup> خوشبحال، آن غلام، که آقایش چون آید، او را در چنین کار مشغول یابد.<sup>44</sup> هر آینه به شما می‌گویم: که او را بر همه مایملک خود خواهد گماشت.<sup>45</sup> لیکن اگر آن غلام در خاطر خود گوید: آمدن آقایم به طول میانجامد و به زدن غلامان و کنیزان و به خوردن و نوشیدن و می‌گساریدن شروع کند،<sup>46</sup> هر آینه مولای آن غلام آید، در روزی که منتظر او نباشد و در ساعتی که او نداند و او را دو پاره کرده، نصیبش را با خیانتکاران قرار دهد.<sup>47</sup> اما آن غلامی که اراده مولای خویش را دانست و خود را مهبّا نساخت تا به اراده او عمل نماید، تازیانه بسیار خواهد خورد.<sup>48</sup> اما آنکه نادانسته کارهای شایسته ضرب کند، تازیانه کم خواهد خورد. و به هر کسی که عطا زیاده شود، از وی مطالبه زیادت‌ر گردد و نزد هر که امانت بیشتر نهند، از او بازخواست زیادت‌ر خواهند کرد.

#### تفرقه

<sup>49</sup> من آمدم تا آتشی در زمین افروزم، پس چه می‌خواهم اگر الآن در گرفته است.<sup>50</sup> اما مرا تعمیدی است که بیام و چه بسیار در تنگی هستم، تا وقتی که آن بسر آید.<sup>51</sup> آیا گمان می‌برید که من آمده‌ام تا سلامتی بر زمین بخرم؟ نی، بلکه به شما می‌گویم، تفریق را.<sup>52</sup> زیرا بعد از این پنج نفر که در یک خانه

ready also: for the Son of man cometh at an hour when ye think not.<sup>41</sup> Then Peter said unto him, Lord, speakest thou this parable unto us, or even to all?<sup>42</sup> And the Lord said, Who then is that faithful and wise steward, whom his lord shall make ruler over his household, to give them their portion of meat in due season?<sup>43</sup> Blessed is that servant, whom his lord when he cometh shall find so doing.<sup>44</sup> Of a truth I say unto you, that he will make him ruler over all that he hath.<sup>45</sup> But and if that servant say in his heart, My lord delayeth his coming; and shall begin to beat the menservants and maidens, and to eat and drink, and to be drunken;<sup>46</sup> The lord of that servant will come in a day when he looketh not for him, and at an hour when he is not aware, and will cut him in sunder, and will appoint him his portion with the unbelievers.<sup>47</sup> And that servant, which knew his lord's will, and prepared not himself, neither did according to his will, shall be beaten with many stripes.<sup>48</sup> But he that knew not, and did commit things worthy of stripes, shall be beaten with few stripes. For unto whomsoever much is given, of him shall be much required: and to whom men have committed much, of him they will ask the more.<sup>49</sup> I am come to send fire on the earth; and what will I if it be already kindled?<sup>50</sup> But I have a baptism to be baptized with; and how am I straitened till it be accomplished!<sup>51</sup> Suppose ye that I am come to give peace on earth? I tell you, Nay; but rather division:<sup>52</sup> For from henceforth there shall be five in one house divided, three against two, and two against

باشند، دو از سه و سه از دو جدا خواهند شد؛<sup>53</sup> پدر از پسر و پسر از پدر و مادر از دختر و دختر از مادر و خارسو از عروس و عروس از خارسو مفارقت خواهند نمود.

### شناختن زمان

<sup>54</sup> آنگاه باز به آن جماعت گفت: هنگامی که ابری بینید که از مغرب پدید آید، بیتأمل می‌گویید باران می‌آید و چنین می‌شود.<sup>55</sup> و چون دیدید که باد جنوبی میوزد، می‌گویید گرما خواهد شد و می‌شود.<sup>56</sup> ای ریاکاران، می‌توانید صورت زمین و آسمان را تمیز دهید، پس چگونه این زمان را نمی‌شناسید؟<sup>57</sup> و چرا از خود به انصاف حکم نمی‌کنید؟<sup>58</sup> و هنگامی که با مدّعی خود نزد حاکم می‌روی، در راه سعی کن که از او برهی، مبادا تو را نزد قاضی بکشد و قاضی تو را به سرهنگ سپارد و سرهنگ تو را به زندان افکند.<sup>59</sup> تو را می‌گویم: تا فلس آخر را ادا نکنی، از آنجا هرگز بیرون نخواهی آمد.

three.<sup>53</sup> The father shall be divided against the son, and the son against the father; the mother against the daughter, and the daughter against the mother; the mother in law against her daughter in law, and the daughter in law against her mother in law.<sup>54</sup> And he said also to the people, When ye see a cloud rise out of the west, straightway ye say, There cometh a shower; and so it is.<sup>55</sup> And when ye see the south wind blow, ye say, There will be heat; and it cometh to pass.<sup>56</sup> Ye hypocrites, ye can discern the face of the sky and of the earth; but how is it that ye do not discern this time?<sup>57</sup> Yea, and why even of yourselves judge ye not what is right?<sup>58</sup> When thou goest with thine adversary to the magistrate, as thou art in the way, give diligence that thou mayest be delivered from him; lest he hale thee to the judge, and the judge deliver thee to the officer, and the officer cast thee into prison.<sup>59</sup> I tell thee, thou shalt not depart thence, till thou hast paid the very last mite.